



۱۵

رقابت غول‌ها در ارائه اینترنت

وزارت بهداشت می‌گوید گروه‌های حساسی که واکسن آنفلوآنزا را نذرده بودند، حالا بیشتر از سایر افراد به این بیماری مبتلا شده‌اند

حمله به «اچ.وان.ان.وان»

۱۴

بندرعباس خلاق‌ترین شهر جنوبی‌ها

۱۶



ژنگی

سه‌شنبه ۲۲ آذر ۱۳۹۸ :: شماره ۵۵۴۰



آیین‌نامه‌های حمایت از

معلولان زیردستان‌وزرا

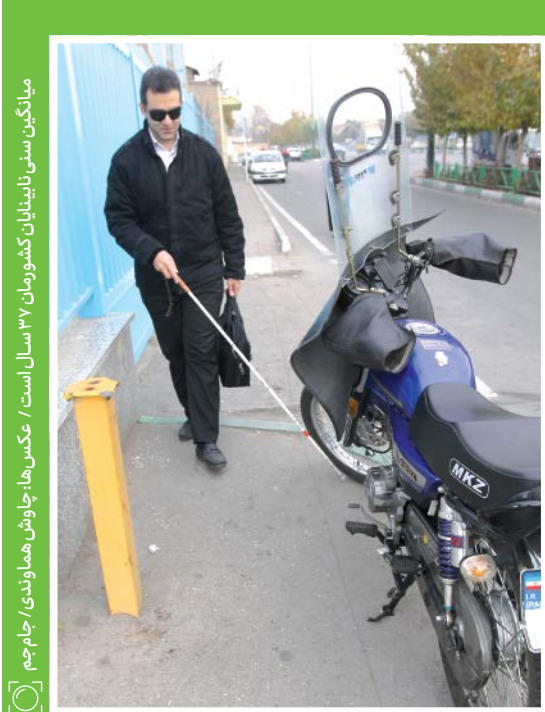
از همان اردیبهشت پارسال که «قانون جامع حمایت از حقوق معلولان» به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، بحث‌ها بر سر زمان تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی این قانون در دولت بالا گرفت. اما صحبت‌های اخیر رئیس سازمان بهزیستی نشان می‌دهد که بخش‌های زیادی از این آیین‌نامه‌های اجرایی در سازمان متبوع او نگارش شده و به‌زودی در هیات وزیران تصویب خواهد شد. چراکه وحید قبادی‌دانا هفتمین چندروز پیش در يك نشست خبری گفت: از هفته بهزیستی در تیرماه امسال تلاش‌ها برای تصویب آیین‌نامه‌های مربوط به قانون جامع حمایت از حقوق معلولان در کمیسیون‌های تخصصی و هیات دولت آغاز شد. اکنون نیز این تلاش‌ها به نتیجه رسیده و آیین‌نامه مواد ۹، ۱۲، ۱۳ و ۲۵ آماده تصویب در هیات وزیران است.

او همچنین در آن نشست به توضیح برخی از مواد قانون حمایت از حقوق معلولان پرداخت، مثلاً درباره ماده ۹ این قانون گفت: این ماده به آموزش عالی رایگان می‌پردازد و براساس آن، شهریه دانشگاه آزاد برای افراد دارای معلولیت تا پایان مقطع کارشناسی ارشد به طور کامل پرداخت می‌شود. همچنین به معلولانی که در مقطع دکتری دانشگاه آزاد تحصیل می‌کنند نیز هر ترم چهار میلیون تومان کمک‌هزینه تحصیلی تعلق می‌گیرد. ۶۰ درصد مبلغ شهریه دانشجویان دارای معلولیت دانشگاه‌های جامع علمی-کاربردی و پیام نور نیز از سوی سازمان بهزیستی پرداخت می‌شود.

قبادی‌دانا برآورد سازمان بهزیستی از اعتبار مورد نیاز اجرای همه مواد قانون حمایت از حقوق معلولان در سال ۹۹ را نیز ۲۰ هزار میلیارد تومان اعلام و عنوان کرد که ۱۵ هزار میلیارد از این اعتبار صرفاً باید در ردیف‌های بودجه مربوط به سازمان بهزیستی اختصاص پیدا کند. او البته احتمال تخصیص این بودجه را پایین دانست و تأکید کرد فقط به میزان تحقق این اعتبار می‌توانند بخش‌های مختلف قانون حمایت از حقوق معلولان را اجرایی کنند.

رئیس سازمان بهزیستی در این باره به اعتبار محقق‌شده این سازمان در سال ۹۸ برای اجرای قانون حمایت از حقوق معلولان نیز اشاره کرد و گفت: با این که در هنگام تدوین بودجه سال ۹۸ درخواست تخصیص ۱۲ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان اعتبار برای اجرای این قانون داشتیم، اما فقط ۱۰۰ میلیارد تومان از آن به تصویب مجلس رسید. در شش ماهه اول امسال نیز ۵۳۳ میلیارد تومان از این بودجه را دریافت کرده‌ایم و امیدواریم تا پایان سال همه بودجه تخصیص‌یافته محقق شود.

قبادی‌دانا همچنین در آن نشست، خبرهای خوشی را نیز به اطلاع معلولان و خانواده‌هایشان رساند. از جمله افزایش مستمری متناسب با حداقل حقوق و دستمزد برای افراد دارای معلولیت براساس ماده ۲۷ قانون جامع حمایت از حقوق معلولان. به گونه‌ای که امسال ۱۹۱ هزار خانوار تحت پوشش اولین واریزی این ماده قانونی قرار گرفتند و علاوه بر مستمری، هر سه ماه يك بار ۳۰ تا ۶۰ هزار تومان براساس بعد خانوار به آنها پرداخت می‌شود.



میانگین سنی نابینایان کشورمان ۳۷ سال است / عکس‌ها: جانشین معاونت / جام جم



يك روز با عصای سفید

در روز جهانی معلولان با يك نابینا از منزل تا محل کارش همراه شدیم

تا ببینیم چه دشواری‌هایی در يك روز عادی او وجود دارد

دهان باز کرده و مهدی نزدیک است سکندری برود. می‌پیچد به چپ، عصا می‌زند، چند قدم می‌رود، می‌خورد به تنه گلفت يك درخت که روی پیاده‌رو خم شده، بعد می‌ماند پشت بلندی پیاده‌رو، دوباره ماجرای نوسازی ساختمان‌های قدیمی و تراز نبودن پیاده‌روها. مهدی از پستی به بلندی می‌رسد و عصا آن بالا دوباره گیر می‌کند به يك ماشین و کوچه نیکپور تمام می‌شود.

مشاغل مزاحم، شهر شرمند

خیابان تقوی پهن است و يك طرفش تا چشم کار می‌کند مغازه دارد، يك طرفش هم دیوار بلند و طولانی اداره برق است. مسیر همیشگی مهدی، حاشیه این دیوار و پیاده‌روی موزائیک شده آن است ولی مسیر تازه او پیاده‌روی دست چپ است. اول بسم!... مهدی سکندری می‌رود سمت جوی آب، بعد می‌خورد به تیر چراغ برق، بعد می‌رسد به جویی باریک که فکر می‌کند پهن است و با پای باز از رویش می‌پرد. مهدی می‌ایستد سر کوچه قاسمی، او آمدن خودروبی را فهمیده، سمند می‌رود، مهدی هم عصازنان، مستقیم، سر کوچه ایوبی، مهدی و جوی آب بی‌حفاظ سرشاخ می‌شوند و او راه را گم می‌کند. مهدی کشیده شده سمت خیابان تقوی، می‌خورد به يك موتورسیکلت پارک شده، بعد هم به يك میل پاره کنار راه. سرخیابان مسجد، سه تکه آهن خمیده کار گذاشته‌اند که راه موتورها را ببندند، ولی مهدی گیر می‌کند به میله‌ها. خیابان خلوت است، مهدی آسان رد می‌شود و دوباره پیاده‌رو، سر يك پراید از

تاریکی، ظلمت، ظلمات، سیاهی؛ پلک را می‌دهم بالا و همه چیز می‌شود مثل همیشه. تاریکی، سیاهی، ظلمات؛ دوباره پلک را داده‌ام پایین. چه تاریکی بدی، دوستش ندارم، پلک که می‌آید پایین ترس برم می‌دارد. انگار گم می‌شوم و بی‌پناه می‌مانم و می‌شوم نقطه‌ای سرگردان در جهان هستی، غریب و بی‌کس. قربان این مردمك و شبکیه، قربان این چشم‌ها که می‌بینند. پلک را می‌دهم پایین، تصویر دنیا قطع می‌شود ولی صداهاى دنیا اوج می‌گیرد، چشم را می‌بندم و باز می‌کنم، چند بار پشت هم، از روی وسواس. فهمیدم میان چشم‌خانه و گوش رابطه است، چشم که بسته می‌شود گوش تیز می‌شود و چشم که باز می‌شود گوش آرام می‌گیرد.

چه رابطه عجیبی! چه کشف جالبی این سر صبیحی!



مریم خجerpour

جامعه

زمین، يك بار به راست، يك بار به چپ، راست، چپ، راست. موزائیک ناگهان می‌شود باریک‌ای خاکی، نوك عصای سفید هم گیر می‌کند به لاستیک يك پژو. اینجا خانه‌ای کهنه را کوبیده‌اند و ساخته‌اند و مانده است جلوی خانه که خاکی است، پژو هم قوز بالا قوز روی این خاك. مهدی گیر می‌کند، جا برای صاف راه رفتن نیست، مهدی کج می‌شود و پشت به دیوار می‌رود، به اندازه قد پژو، کج‌کج، خرچنگ‌وار قد پژو که تمام می‌شود پیاده‌رو دوباره آسفالت است، چپ، راست، چپ، راست. مهدی می‌خورد به تیر چراغ برق، چند قدم جلوتر می‌خورد به يك تاکسی، بعد به يك پست برق؛ مهدی خنده‌اش می‌گیرد.

بعد از پست برق، کوچه‌ای پهن است که او هر روز کنج دیوارهایش را می‌گیرد و می‌رود سمت اتوبان بعثت. من و مهدی ولی این بار مستقیم می‌رویم تا راه غریبه باشد و او بشود يك مرد نابینا در مسیری غریب، بی‌اتکا به حافظه و نقشه ذهنی‌اش.

بعد از کوچه پهن، جوی باریک کوچه نیکپور یکدفعه

پشت پلک‌های بسته من يك دنیای پر از صداست، آنجا دارند میلگرد می‌زنند و تیرآهن جوش می‌دهند و پلاستیک پاره‌ها را می‌دهند به نان خشکی. پلکم بالاست، دنیای پر سر و صدای جوشکاری و دوره‌گردی جایش را داده به خانه‌های کوچه نیکپور در محله خزانة، به خانه‌های مخروبه بی‌رنگ، آپارتمان‌های نوساز، خانه‌های نیمه‌کاره و کوچه‌های تنگ و خانه‌های نقلی تبن‌بست.

پرابدی بوق می‌زند، در حیاط آپارتمان شماره ۶۵ باز می‌شود و عصای سفید، تکه‌تکه قد می‌کشد و روی زمین سیخ می‌شود. قرارمان درست همین جاست، اولین جایی که نوك عصا روی زمین می‌خورد، جلوی در خانه مهدی، یکی از صدها نابینای شهر تهران که دنیایش تار يك و سرش پر از صداهاى زیر و بم و خاطرات صوتی است.

امان از توای مانع

من و مهدی، تلافی دو دنیای روشن و تاریک راه می‌افتیم. مهدی جلو، من عقب، مثل دو آدم بی‌ربط به هم، انگار که نیستم، نامرئی‌ام، انگار که مهدی است و دنیای پرظلمت همیشه و این شهر هزار رنگ، این تهران شلوغ‌پلوغ.

اول پیاله و بدمستی؛ در خانه که بسته می‌شود، همین اول راه، نوك عصا می‌خورد به پرابدی خاکستری، پرابده آمده تا وسط پیاده‌رو و راه را بند آورده ولی می‌شود شانه‌ها را خم کرد و کوچک و جمع شد و گذشت. مهدی شانه‌ها را جمع می‌کند و باریک و جمع و جور می‌شود.

پیاده رو آسفالت‌ه و باریک است، به قاعده پنج شش و جیب، نوك عصا می‌خورد به زمین، يك بار به راست، يك بار به چپ، چپ، راست، چپ، راست، مثل صدای رژه رفتن سربازها و پا کوبیدنشان. آسفالت ولی سریع تمام می‌شود و می‌رسد به موزائیک، از آن موزائیک‌های خال خال رنگی. صدای رژه قطع می‌شود و عصا می‌رود روی هوا. آسفالت پایین یکدفعه می‌شود موزائیک بالا. مهدی دارد ارتفاع را می‌سنجد، شاید بشود به قد و قواره يك خط‌کش ۲۰ سانتی. پایش می‌رود بالا و می‌رسد به موزائیک، نوك عصا می‌خورد به

تعمیرگاهی بیرون زده و عصای مهدی می‌خورد به پراید، پشت بندش هم باکس‌های بيك موتورى فست فود. پیاده‌روی سمت چپ خیابان تقوی قناس است، يك جا باریک است و يك جا گشاد، يك جا آسفالت‌ه است و يك جا موزائیک، يك جا هم بالاست و يك جا پایین.

پیاده‌روی خیابان آذرجاويدان اما يك راه بلند و باریک است که مهدی دوستش دارد. راه، بی‌چاله چوله است. مهدی عصا می‌زند؛ چپ، راست، راست، چپ، دوباره سربازها پا می‌کوبند. چاله چوله این خیابان ولی روی هواست، چاله‌اش برآمده است نه فرورفته، چاله‌اش عابریانکی است بیرون زده از دیوار با سایبان آهنی که مهدی قبل‌ترها سرش کوبیده شده به آن و این حوالی که می‌رسد خودش را می‌کشد سمت چپ.

ته خیابان آذرجاويدان می‌رسد به اتوبان بعثت، به دنیای شلوغ و پرهمهمه ماشین‌ها و بی‌دفاعی آدم‌ها. اینجا صدا به صدا نمی‌رسد و مهدی که مسیر را با صداها و نجوای اشیاء و انعکاس اصوات تشخیص می‌دهد، لب اتوبان بعثت مستاصل است. عصایش گیر می‌کند به بسته‌های نمک متجاوز به پیاده‌رو، بعد می‌خورد به پاکت‌های زغال، بعدش منحرف می‌شود به سمت سنگ‌های حجاری شده فروشی و کلی نرده سنگی.

ایستاده‌ایم سر کوچه مدرسه، اول سنگفرش‌های پیاده‌رو که موزائیک‌های زرد و عاج‌دارش مخصوص نابیناهاست. مهدی روی عاج‌ها راه می‌رود و عصا می‌زند، چپ، راست، چپ، راست، خط زرد ولی راهنمای چشم است، این خط درست می‌خورد وسط يك تیر چراغ‌برق...

يك ساعت پیاده‌روی با مهدی نابینا مایه شرمندگی است. چقدر ما آدم‌های بینا بدیم، آن بسته‌های نمک، آن پاکت‌های زغال، آن جعبه‌های میوه و قفسه‌های چپیس و پفک، این همه سد معبر، آن عابریانك بیرون‌زده، این همه ماشین پارک‌شده وسط پیاده‌رو، این همه میلگرد و آجر‌ها شده پای ساختمان‌ها، آن وانت‌بار قد بلند که سر مهدی کوبیده شد به در

بازش و خون افتاد، آن چاله روباز که مهدی افتاد داخلش و چهارچنگولی خودش را نجات داد، این همه پیاده‌رو چهل تکه، این مسیر خط‌خطی نابیناها در شهر، آن همه راننده اتوبوس که مهدی باید یی داد

بزند که کجا می‌روند و جوابش را نمی‌دهند، این همه موتورسیکلت‌ها که هر جا اراده کنند می‌پیچند، این همه میله و بلوک شده وسط پیاده‌روها، این بی‌ترازی مسیرها و این داربست‌ها و بنرهای بی‌حفاظ...

چشم‌ها را می‌بندم، تصویر دنیا قطع می‌شود و تصویر نامحدود مانع در مغزم جان می‌گیرد؛ تهران مخوف پشت پلک‌های من است.

حق با
شماست

info@jamejamdaily.ir

روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۷



۳۳-سهام-عدالت يك شهروند:

پرداخت سود سهام عدالت در سال ۹۸ هنوز اعلام نشده است؟! مسؤولان توضیح دهند که چرا خرید و فروش این سهام آزاد نمی‌شود؟

۳۳-اتوبان-امام-علی(ع) نامی از تهران:

اجازه تردد خودروهای دیگر در ویژه اتوبوس‌های تندرو اتوبان امام علی(ع) باعث ترافیک در این مسیر و کلافگی مسافران اتوبوس‌ها شده است.

۳۳-کارمندان-بانك شهروندی از تهران:

برخی متصدیان باجه‌های بانك بسیار آرام کار می‌کنند. شهروندان باید دقایق زیادی را به انتظار فرا رسیدن نوبتشان منتظر بمانند.

۳۳-تاکسی‌های-اینترنتی توکل شهیرزادی از تهران:

تاکسی‌های تلفنی و اینترنتی به سختی مسیرهای مربوط به محدوده‌های طرح کنترل آلودگی هوا را می‌پذیرند. این موضوع باعث مشکلات زیادی برای شهروندان شده است.

۳۳-بسته-معیشتی يك شهروند:

با سه فرزند معلول، بسته کمک هزینه معیشتی به حسابم واریز نشده است. متأسفانه سامانه اعلام شده برای پیگیری نیز خارج از دسترس است.

۳۳-گرانی-كتاب يك شهروند:

قیمت كتاب به صورت سرسام‌آوری گران شده است. مردم رغبتی به خرید كتاب ندارند.

جوابیه

در پی درج پيامی با عنوان «جمعیت-مترو» مشاور مدیرعامل و مدیر ارتباطات و امور بین‌الملل متروی تهران و حومه با ارسال نمایی اعلام کرد: بازدید از سامانه‌های رفاهی مسافران در قطارها به صورت مستمر و روزانه در بخش نگهداری و تعمیرات ناوگان در حال انجام است و سیستم تهویه مطبوع قطارها بازدید و در صورت معیوب بودن رفع می‌گردد. لازم به توضیح است در حال حاضر خرابی سیستم تهویه قطارهای موجود صفر شده و دمای واگن‌ها نیز براساس استاندارد می‌باشد. ضمن این‌که موضوع فعال کردن سیستم تهویه توسط راهبر قطار در جهت رضایت مسافران محترم، همیشه به راهبران یادآوری و تأکید شده است.